

روزشمار جنگ | **روز هفتاد و پنجم**

ملاقات در پکن، کابوس در واشنگتن

چرا هژمونی آمریکا در هرمز غرق شد؟



هفتادوپنجمین روز نبرد، روز پردربرداری از «انزوای ژئوپلیتیک یک ابرقدرت» بود. درحالی که دونالد ترامپ با کوله‌باری از تورم داخلی و شکست راهبردی در تنگه هرمز، از پله‌های هواپیما در پکن پایین می‌آمد، واقعیت‌های روی زمین، فرش قرمز زیر پای او را به‌سخره گرفته بودند. امروز، عبور مقتدرانه ابرنفتکش‌های چینی از سد ناوگان سنتگام، جنایت ادامه‌دار اسرائیل علیه امدادگران لبنانی و افشای سوده‌های افسانه‌ای کارتل‌های نفتی غرب، ثابت کرد ماشین جنگی واشنگتن، بیش از آنکه به دنبال «صلح» باشد، در پی «عصب‌شریان‌های انرژی جهان» است؛ رؤیایی که با استقامت هوشمندانه مقاومت به یک کابوس فرسایشی تبدیل شده است.

■ هرمز؛ وقتی «محاصره» به «تحقیر» تبدیل شد

مهم‌ترین سیگنال استراتژیک ۲۴ ساعت گذشته، در پهنه آب‌های خلیج فارس مخابره شد. گزارش مستند مؤسسات ردیابی دریایی مبنی بر عبور ابرنفتکش چینی (احمال ۳میلیون بشکه نفت خام) از قلب تنگه هرمز، یک پیام ویرانگر برای پنتاگون داشت. رژیم کنترل دریایی آمریکا، دربرابر توافقات دوجانبه ایران با قدرت‌های شرقی، فاقد اعتبار است.

این گذر موفقیت‌آمیز، در روزی که پنتاگون برای «اطمینان‌بخشی به جهان» درباره باز بودن هرمز کنفرانس مطبوعاتی برگزار می‌کرد، نشان داد «پروژه آزادی» ترامپ یک نمایش توخالی است. به تعبیر گریگوری پولینگ، مدیر مؤسسه استراتژیک CSIS، در خلیج فارس «این چین نیست که تحقیر می‌شود، بلکه آمریکا است». واشنگتن که گمان می‌کرد با اعمال محاصره می‌تواند شاهرگ اقتصاد ایران را قطع کند، اکنون خود را در تله‌ای می‌بیند که در آن، قدرت‌های شرقی با دورزدن آمریکا، انرژی خود را مستقیماً زیر چتر امنیتی تهران تأمین می‌کنند.

■ پکن؛ میزبان برنده نبرد اراده‌ها

سفر دونالد ترامپ به چین در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر انجام می‌شود. ترامپ که هفته‌هاست در فضای مجازی از «نابودی توان نظامی ایران» و «کنترل اوضاع» سخن می‌گوید، با واقعیتی کاملاً متضاد به دیدار شی جین‌پینگ می‌رود. اقتصاد آمریکا با بالاترین جهش تورم مواد غذایی در چهار سال اخیر (افزایش ۴۴ درصدی قیمت سبزیجات و ۲۲ درصدی قهوه) روبه‌رو است؛ بحرانی که محصول مستقیم بسته‌ماندن هرمز است.

در سوی دیگر، دیپلماسی ایران با زیرکی، پیش از ورود ترامپ به پکن، زمین بازی را مین‌گذاری کرده است. سفر هفته گذشته عباس عراقچی به چین و رایزنی‌های فشرده درباره «معماری نظم پسا-جنگ» نشان می‌دهد تهران و پکن در حال تعریف یک بلوک جدید در برابر هژمونی غرب هستند. اظهارات بی‌سابقه سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه مبنی بر اینکه «آمریکا قصد دارد با این جنگ، جریان انرژی جهان را قبضه کند» پرده از اهداف پنهان واشنگتن برمی‌دارد. بلوک شرق به‌خوبی دریافته‌است کوتاه آمدن در برابر باج‌گیری آمریکا در هرمز، مساوی با تسلیم در برابر نظام تک‌قطبی است.

■ ایستگاه هفتادوپنجم؛ اقتصاد جنگ و مالیات خون

ما اکنون در مرحله‌ای از جنگ قرار داریم که «خون ریخته‌شده در خاورمیانه» به «سود سهام در وال استریت» تبدیل می‌شود. گزارش تکان‌دهنده گاردین مبنی بر سود ساعتی ۳۰ میلیون دلاری شرکت‌های نفتی غربی از بحران هرمز، ذات پنهان این جنگ را عریان می‌کند.

آمریکا با طولانی کردن بحران، در حال دوشیدن متحدانش و انتقال ثروت جهان به جیب کارتل‌های انرژی خود است. اما این استراتژی کثیف، تاریخ انقضای کوتاهی دارد. جامعه آمریکا و اروپا آستانه تحمل محدودی در برابر گرانی و تورم دارند. فردا ترامپ هرچه در پکن بگوید یا بشنود، یک واقعیت میدانی تغییر نخواهد کرد: کلید خروج از این بحران در دستان کشوری است که با صبر راهبردی، نبض هرمز را کنترل می‌کند.

مجتبی خاتونی | دو روز گذشته، نشست هماهنگ‌کنندگان ملی بریکس و امروز فردا، نشست وزرای امورخارجه این سازمان بین‌المللی در دهلی‌نو برگزار شده و می‌شود و در همین راستا، وزیر امور خارجه کشورمان در رأس هیئتی به هندوستان رفته و غریب‌آبادی، معاون وزیر، این حضور را بیانگر انتخاب راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای تقویت چندجانبه‌گرایی، گسترش همکاری‌ها و مشارکت در شکل‌دهی به نظمی عادلانه‌تر در نظام بین‌الملل دانسته و یادآور شده‌که بریکس با استقلال در تصمیم‌گیری و دفاع از حقوق ملت‌ها در برابر انحصار، تحریم و اجبار تکامل خواهد یافت.

بریکس یک سازمان بین‌دولتی با عضویت اولیه برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی بوده و در واقع نام خود را از حروف نخست نام این کشورها به عاریت گرفته و در ادامه دولت‌هایی مانند مصر، اتیوپی، ایران، اندونزی، نپچیره و… به آن پیوسته‌اند. سازمانی که بیشتر با اهداف صرفاً اقتصادی شکل گرفته و حالا به شکل یک بلوک ژئوپلیتیکی تکامل پیدا کرده‌است.

در حالی که معضلات و ضعف‌های موجود در سازمان بریکس و میان اعضای آن، طیف وسیعی از اختلافات و رقابت‌های ناسالم سیاسی، مدعیات مرزی و سرزمینی و یا وابستگی‌های مخرب به بازگران و عوامل غیر همسو را شامل می‌شود؛ شاید وجود عامل یا عوامل نامطلوب نظیر امارات متحده عربی (با ارفاق زیاد) به عنوان اسب تروای نظام تمامیت‌خواه و یک‌جانبه‌گرای بین‌الملل فعلی در این سازمان را بتوان به عنوان پاشنه آشیل آن در جهت نیل به اهداف بزرگی چون بازتعریف نظم بین‌المللی جدید دانست.

از این رو و با توجه به خبائث قبیله‌های متحده ساکن در

از مأموریت ویژه به «عارف» تا مطالبه از جهاد کشاورزی

پزشکیان و دغدغه فضای مجازی و کنترل قیمت‌ها

سکان‌دار دستگاه اجرایی با یک انتصاب و یک متن منتشر شده، دغدغه خود را درزمینه دو موضوع مهم یعنی کنترل قیمت‌ها و ضرورت ساماندهی و راهبری فضای مجازی بیان کرد. بر این اساس مسعود پزشکیان نظر به ضرورت فوری استقرار حکمرانی یکپارچه،منسجم وکارآمد در فضای مجازی،روز گذشته محمدرضا عارف را با حفظ سمت به‌عنوان رئیس ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور منصوب کرد. در حکم انتصاب دکتر عارف آمده است: انتظار دارم با بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌های قانونی و اجرایی کشور نسبت به ایجاد انسجام نهادی و هم‌راستاسازی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات دستگاهای ذی‌ربط اقدام نموده و با طراحی و استقرار سازوکارهای مؤثر، هماهنگی و تصمیم‌گیری یکپارچه در قف تداخل وظایف جلوگیری از موازی‌کاری‌ها و پایان‌بخشی به چندصدایی در مدیریت فضای مجازی کشور، اهتمام حداکثری مصروف دارید. پزشکیان همچنین «تدوین و اجرای

تحلیلی درباره سفر مهم عراقچی به هند برای شرکت

در نخستین نشست وزرای خارجه بریکس پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم

علیه نظم آمریکایی جهان



شیخ‌نشین‌ها با اعضای بریکس؛ وقوع یک توبیخ اساسی و تذکری جدی است تا شاید این عامل نامطلوب و مزاحم را که اتفاقاً در تلاش برای اخلال در نقش کاتالیزوری ایران

جنوب خلیج فارس علیه یکی از اعضای نافذ بریکس یعنی جمهوری اسلامی ایران، کمترین توقع ممکن، با توجه به لزوم واقع‌گرایی و ارتباطات مالی و اقتصادی گسترده

در جابه‌جایی قدرت بین‌المللی عمل کرده‌است، مقداری با حد و اندازه‌های خود آشنا کند.

گذشته از این ضعف‌های غیرقابل انکار، بریکس در کنار شانگهای، به عنوان سازمان‌هایی با ماهیت‌های متفاوت و مکمل، حالا عینی‌ترین تصویر از دنیای پس از فروپاشی نظام تک‌قطبی به‌رهبری ایالات متحده است و این در حالی است که همه نشانه‌ها و شواهد، آغاز روند این فروپاشی را تأیید می‌کنند. از رفتار تکرار‌شونده امپراتوری‌ها در آستانه سقوط، جنگ‌های بی‌پایان، نارضایتی‌های داخلی، تحقیر و انزوای هم‌پیمانان و البته ظهور عامل یا فرایند تسهیلگر این سقوط در اینجا عاملیت قهرمانانه جمهوری اسلامی ایران و استفاده هوشمندانه از ابزارهای ژئوپلیتیکی مانند تنگه هرمز و شریان انتقال انرژی و… به عنوان فرایند تسهیلگر یا کاتالیزور این تجزیه و ترکیب بزرگ‌مقیاس همه‌و همه، خبر از قریب‌الوقوع بودن این بازتنظیم ضروری در نظم قدرت جهانی دارد؛ همان چیزی که بریکس انتظار آن را می‌کشد. از این رو، حضور وزیر امورخارجه کشورمان در دهلی‌نو و شرکت در اجلاس بریکس، پس از مقاومت قهرمانانه جمهوری اسلامی ایران در برابر ضدقهرمان این داستان یعنی ایالات متحده آمریکا و نوچه‌های منطقه‌ای آن، بسیار متفاوت خواهد بود و حالا این ما هستیم که حتی جلوتر از مؤسسان بریکس با بنیان‌گذاران شانگهای در حال تحقق اهداف و آرزوهای ملت‌های مستقل و نیمه‌مستقل جهانیم و البته که هزینه آن را هم با عزیزترین داشته‌هایمان، رهبر مقتدر و مظلوم، نوگلان میناب و هزاران شهید دیگر پرداخته‌ایم و حالا نوبت بریکس است تا سهمی هرچند کوچک در این کارزار شجاعت و درایت داشته باشد و تنها در آن صورت است که می‌توان «غروب غرب» را در «طلیعه بریکس» انتظار داشت.

از ادعای ۲۹ میلیاردی تا برآورد یک‌تریلیون دلاری

دعوا و بگومگو در آمریکا بر سر هزینه‌های جنگ با ایران

نمایندگان نیز خطاب به وزیر جنگ گفت: طبق گزارش پایگاه «وار زون»، ما در جنگ با ایران حدود ۳۹ هواگرد از دست داده‌ایم که البته آن گزارش قدیمی است. متعلق به تقریباً یک ماه پیش است. آیا هزینه جایگزینی تمام آن هواگردها را می‌دانید؟ این بگومگو در شرایطی است که پیش‌تر سی‌اس اس هزینه واقعی آمریکا در تجاوز غیرقانونی به ایران را نزدیک به ۵۰میلیارد دلار و فایننشال تایمز این هزینه را صد‌ها میلیارد دلار برآورد کرده بودند. از سوی سی‌ان‌ان دیروز در گزارشی برآورد وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) درباره هزینه ۲۹میلیارد دلاری جنگ علیه ایران را رد کرده و براساس آمار غیررسمی، هزینه‌های جنگ را بسیار بیشتر دانسته و نوشت: یک کارشناس مدرسه حکمرانی کندی دانشگاه هاروارد در ماه آوریل گفته بود این درگیری ممکن است در نهایت یک تریلیون دلار برای مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه داشته باشد.

تنها کمی پس از حضور وزیر جنگ و سرپرست حسابرسی پنتاگون در جلسه استماع کنگره که به بگومگو میان آن‌ها با نمایندگان در موضوعات مختلف انجامید؛ بحث‌های درزمینه ادعای مقامات ترامپ در مورد هزینه‌های واقعی جنگ آمریکا علیه ایران همچنان ادامه دارد. سرپرست حسابرسی پنتاگون در این نشست در حضور پیت هگست با اذعان به هزینه‌های بسیار زیاد جنگ، مدعی شد هزینه عملیات نظامی (تجاوز غیرقانونی) علیه ایران در حال حاضر نزدیک به ۲۹میلیارد دلار است.

این گفته با واکنش نمایندگان مواجه شد و مارک کلی، سناتور ارشد آمریکایی گفت: درخواست ۱٫۵ تریلیون دلاری دولت ترامپ برای مصارف نظامی شوکه‌کننده است، چراکه زمانی که حدود پنج و نیم سال پیش وارد سنا شدم، بودجه دفاعی آمریکا کمی بیش از ۷۰۰میلیارد دلار بود. یکی دیگر از

از کربلا نباید گذشت!

ایران دارد، راه‌اندازی پایگاه‌ها در ۳۰۰ کیلومتری مرز ایران، عملاً اسرائیل را به همسایه نزدیک ایران تبدیل می‌کند که حتی برای رسیدن جنگنده‌هایش به اهداف ایرانی، نیازی به سوخت‌گیری هوایی نخواهد داشت! پیش از این و در جریان حملات اسرائیل به کشورمان نیز آسمان عراق بدون هیچ مشکلی جولانگاه جنگنده‌های اسرائیلی بود و تمام حملات نظامی اسرائیل از طریق همسایه غربی ما انجام شده‌است. مضاف بر اینکه نیروهای آمریکایی نیز بارها از فضای این کشور برای ضربه به کشورمان استفاده کرده‌اند که ترور سردار شهید سلیمانی در رأس این جنایات بوده‌است. باوجودهدلی فوق‌العاده مردم عراق و نیروهای مردمی این کشور با محور مقاومت و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران و با وجود ادعاهای مقامات غربی مبنی بر نفوذ ایران در این کشور، حکمرانی امنیتی در عراق عملاً در اختیار دشمن آمریکایی و صهیونیستی است و ادامه این روند قابل تحمل نیست، گرچه حکومت عراق در این موضوع، استقلال و استقرار چندانی ندارد و قادر به اعمال حاکمیت بر آسمان و زمین خود نیست، اما مسئله جنگ و امنیت ملی را نمی‌توان با تعارفات هوسپاسی‌گری برگزار کرد و از آن گذشت. اگر دیروز می‌گفتیم برای آزادی قدس از کربلا باید گذشت، امروز دست‌کم باید گفت برای دفاع از حرم ایران از کربلا نباید گذشت!

بوده و نقشه‌های تهاجمی و جنگی آن‌ها را به چالش خواهد کشید.

دلیل دیگر اهمیت سفر ترامپ به پکن تا آنجا که به موضوع ایران مربوط است، ظرفیت دیپلماتیک و جایگاه میانجی‌گری چین است که در حل بحران اخیر می‌تواند به کار آید. ازدهای زرد اسفند ۱۴۰۱ با پاردمیانی به اختلافات چندین ساله ایران و عربستان پایان داد. در مقطع کنونی هم بسیاری ورود پاکستان به موضوع میانجی‌گری میان ایران و آمریکا را با سرانگشت اشاره چین می‌دانند، چراکه اسلام‌آباد به تنهایی از ظرفیت‌های لازم برای بازیگری در چنین بحرانی برخوردار نیست. ترامپ اگرچه مدعی شده «در موضوع ایران به کمک چین نیازی ندارد» ولی او امیدوار خواهد بود بتواند شی جین‌پینگ را راضی کرده و به اعلام حمایت لفظی از جنگ خود بکشد؛ هدفی که دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد، چراکه پینگ با طرح چهار ماده‌ای نشان داده اولویت وی مدیریت و کاهش تنش میان دولت‌های پیرامون خلیج فارس است و فعلاً علاقه و عزمی برای ورود به میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن ندارد. سفر به پکن از باب درک مزه دهان، رئیس‌جمهور چین درباره تحولات تنگه هرمز هم برای ترامپ حائز اهمیت است. چین، ۳۷٫۷ درصد از کل صادرات نفتی را که از تنگه هرمز می‌گذرد، دریافت می‌کند که بیشترین سهم در میان کشورهاست.

حالارئیس‌جمهور آمریکا تبدیل به سیاستمداری شده که برای دریافت کمک و نه اعمال فشار به شرق آسیا می‌رود. براساس شواهد، جنگ با ایران در کانون رایزنی قرار خواهد داشت و این در حالی است که همبستگی و اشتراک منافع دو قدرت شرقی بر این دیدار و روند دیپلماتیک سایه انداخته و در تسریم مسیر پیش‌رو اثرگذار خواهد بود.

نخستین دلیل این گفته، به جایگاه و نقش ویژه اژدهای زرد در همکاری سیاسی، نظامی و به‌ویژه اقتصادی با جمهوری اسلامی برمی‌گردد. پکن در حوزه سیاسی به پشتیبان قوی تهران تبدیل شده و اعلام مخالفت با قطعنامه ضد ایرانی مدنظر اخیر آمریکا و بحرین برای ارائه به شورای امنیت، چشمه‌ای از این حمایت‌هاست. در حوزه نظامی و امنیتی اگرچه همکاری تهران و پکن چندان شفاف نیست اما بسیاری معتقدند کمک‌های چین از کاتال پاکستان، به‌ویژه در تقویت تدافند جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۴ روز بسیار مهم بود. مهم‌ترین جنبه همکاری میان طرفین در حوزه اقتصادی است. با وجود جنگ و فشارهای ایالات متحده، طبق گزارش نشریه اقتصادی میس، درآمد نفتی ایران از محل صادرات نفت به چین در ماه مارس ۲۰۲۶ نه‌تنها کاهش نیافته، بلکه به بالاترین سطح خود در سال‌های اخیر (حدود ۵٫۳میلیارد دلار) رسیده است. این مشارکت راهبردی شکل گرفته قطعاً مقابل نیت کاخ سفید



یادداشت

مهدی خالدی

ایران در کانون رایزنی ترامپ و پینگ؛ براساس شواهد آمریکا در تحمیل نیت خود به چین موفق نخواهد بود

به صرف هواخوری در پکن!

رئیس‌جمهور آمریکا با پرورده قطور از اختلافات زیر بغل در شرایطی راهی چین شده که جنگ با ایران زیر پایش را خالی کرده و وی را در شکننده‌ترین حالت قرار داده است. ترامپ سفری را که قرار بود اسفندماه گذشته انجام شود به تعویق انداخت به این امید که با امتیازگیری از تهران پای میز مذاکره، با دست پر راهی پکن شده و اژدهای زرد را به کرنش مقابل خواسته‌هایش وادارد، اما اوضاع چیزی نشد که دونالد می‌خواست.